

نقش برنامه ریزی آموزشی در توسعه ملی

ویدا اندیشمند^۱، محمود صیادی^۲

^۱استادیار گروه علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، ایران (نویسنده مسئول)
^۲دانشجو دکتری، مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد واحد کرمان، ایران

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین نقش برنامه ریزی درسی در توسعه ملی است که به شیوه ی توصیفی-همبستگی در آذر ۱۴۰۰ اجرا گشت؛ براساس یافته ها واستنباط های انجام شده می توان رابطه ی بین برنامه ریزی آموزشی و درسی مکمل و موید یکدیگرند در نتیجه می توان اساس توسعه ملی را در همه ی ابعاد در تعلیم و تربیت دانست و اگر اهداف و برنامه ریزی هایی که در تعلیم و تربیت پی ریزی می شود درست باشد نتیجه ی آن توسعه ی ملی در همه ی ابعاد است که این توسعه ی همه جانبه لازمه ی آن توازن و هماهنگی است. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی پیرامون سند توسعه ملی و جایگاه آموزش و پرورش در آن مقاله ای نوشته شود.

واژه های کلیدی: برنامه ریزی آموزشی، توسعه ملی، چشم اندازها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

یکی از راه هایی که می توان به وسیله آن به تحقق توسعه امیدوار بود، برنامه ریزی های آموزشی صحیح و اصولی منابع و به ویژه منابع انسانی هر کشور و استفاده بهینه از آنها ست. (کاظمی، ۱۳۹۰) با عنایت به این حقیقت که اصلیت ترین محور توسعه، انسان و اولین گام در امر توسعه، تشکیل سرمایه انسانی است. از اینرو منابع انسانی کیفی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر کشور نه تنها اهمیت زیادی دارد بلکه، بیش از حد تاکید می شود امروزه استقرار پویا و تداوم مطلوب نهاد ها و موسسات آموزشی شدیداً متأثر از چگونگی و کیفیت برنامه ریزی آموزشی است. (چرابین، دیهیم، ۱۳۹۵). از این رو، برای برنامه ریزان آموزشی، آگاهی از مسایل، مشکلات و مسایل سازمان، نقش حیاتی دارد؛ زیرا شکل دهی مطلوب هدف های آموزشی، مستلزم توجه همه جانبه به چشم انداز آینده، انتظارات، امکانات و مسائل سازمان است. به عبارت دیگر، برنامه باید به نحوی طراحی شود که فراگیران به طور مستمر از وقوع تغییرات و شرایط جدید آگاهی داشته باشند. (خلخالی و تقی نژاد، ۲۰۱۱) این آمادگی جز با تبیین آینده سازمان فراهم نمی شود. از این رو برنامه ریزان باید همواره از هوشیاری و آینده نگری بالایی در کار افراد باشند. تمام نظام های آموزشی، از تصور ما نسبت به آینده مایه می گیرد چگونگی ایجاد توسعه و پیشرفت همواره یکی از سؤال های اساسی و مهم در ایجاد دگرگونی و تحول تکاملی جوامع بوده است. معمولاً وقتی سخن از توسعه و پیشرفت می شود، نوعی پیشرفت و توسعه همه جانبه به ذهن متبادر می شود. به طوری که می توان گفت توسعه همان افزایش سطح بهره مندی و رفاه، ارتقای امنیت، آزادی، گسترش ارتباطات اجتماعی و امکان تحرک اجتماعی عمودی و افقی معطوف به ارزش های جامعه که در سایه پیشرفت علمی و تکنولوژیک حاصل می شود و دگرگونی تکاملی در نظام آموزشی، آموزش و ساماندهی و مهندسی اقتصادی صنعتی و سیاسی و فرهنگی به وجود می آید (گسلینگ، ۲۰۰۹)

بنابراین، توسعه جریانی است که در او تجدید سازماندهی، اصلاح سیاست گذاری و تجدید جهت گیری مجموعه نظام اقتصادی - اجتماعی کشور را به همراه دارد و علاوه بر بهبود وضع ها درآمدها و تولید، آشکارا شامل تغییرات بنیادی در ساخت های نهادی، فکری، سیاسی، اجتماعی، اداری و همچنین آداب و رسوم و اعتقادات است بنابراین، توسعه دارای ابعاد مختلف است و در برگیرنده توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی است که بر هم اثر می گذارند. اگر تعریف توسعه تا حدودی پیچیده به نظر می رسد، به دلیل این است که ما در دنیایی پیچیده و به هم وابسته زندگی می کنیم بنابراین مساله اصلی ما بررسی نقش برنامه ریزی آموزشی در توسعه ملی است.

سوال اصلی پژوهش:

برنامه ریزی آموزشی چه جایگاهی در توسعه ملی دارد؟

مفاهیم نظری:

چون آموزش و پرورش بارور، خلاق و سازنده امری است حیاتی در کشور، باید برای پیشرفت کشور (توسعه اقتصادی، اجتماعی) و رسیدن به تحولات موجود در جهان و بازماندن از علم و تکنولوژی جهانی، راهبردها و تدابیر علمی و منطقی به صورت برنامه ریزی های کوتاه مدت میان مدت و بلندمدت تدوین و اجرا نمود. باید براساس چشم انداز ۲۰ ساله که توسط کارشناسان و متخصصین تهیه و تدوین گردیده است برنامه ریزی کرد. یکی از ضروری ترین اقدامات این است که حوزه ستادی باید از کارهای روزمره و خسته کننده کاملاً به دور باشد و همواره با طراحی، سیاست گذاری و برنامه ریزی، آینده نظام و کشور را تضمین کند، متأسفانه کارهای ستادی و صف مجزا و روشمند نیست و تداخل کاری در تدوین اولویت ها، راهبردها، طرح ها و برنامه ها وجود دارد، (نشنال من پاور، ۲۰۱۰) برنامه ریزی آموزش و پرورش با مشخص ساختن هدف ها و اولویت های آموزشی کشور و کشیدن نقشه و طرح هایی برای رسیدن به آن اهداف سروکار دارد.

برنامه های توسعه، به دنبال ایجاد تغییر در سازمان و نهاد های یک جامعه برای رسیدن به اهداف عالی و چندگانه در حوزه های اقتصادی - اجتماعی و علمی و فرهنگی است. برنامه ریزی آموزشی و توسعه فرایند پیچیده ای است که متضمن انتخاب اهداف اجتماعی، تعیین هدف های کمی، اشاعه و انتشار اطلاعات و همچنین سازماندهی چارچوبی برای اجرا، هماهنگی و

نظارت بر فرایند برنامه ریزی در کل نظام آموزشی است. در این فرایند، سازمانها و کارگزاران متعددی در زمینه تهیه و تدوین و اجرای سیاستها و خط مشی های اقتصادی، اجتماعی و به صورت عام توسعه ای در تعامل و کنش متقابل هستند. سیاستگذاران، برنامه ریزان، آمارشناسان و پژوهشگران و مردم از جمله عوامل اصلی فرایند برنامه ریزی برای توسعه به شمار می روند (محمودی، ماجد، ۱۳۹۱).

هر یک از این سه نوع برنامه ریزی حوزه ی عمل مشخص دارند و قلمرو فعالیت آنها با هم متفاوت است. هنگامی که برنامه ریزان توسعه، انتظارات اجتماعی، آرمان های دینی و فرهنگی و نیازهای بخش های اقتصادی به نیروی انسانی ماهر را برای یک برهه ی زمانی و در قالب برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مشخص می کنند، برنامه ریزان آموزشی نیز تا آنجا که به نظام آموزشی مربوط می شود، این انتظارات، آرمان ها و نیازها را در قالب اهداف آموزشی ترجمه و بیان می کنند. آنگاه برای تحقق این اهداف، به برآورد منابع مادی و انسانی دست می زنند و با به کارگیری خط مشی های مناسب و بهره گیری از منابع مادی و انسانی، راه وصول به اهداف مورد نظر را هموار می کنند. برنامه ریزان درسی نیز با الهام از این انتظارات و آرمان ها و نیازهای جامعه و با توجه به اهداف نظام آموزشی به تدوین دانش ها و مهارت ها و نگرش هایی اقدام می کنند که قرار است دانش آموزان و دانشجویان کسب کنند. پس کل جامعه را می توان حوزه ی کار و قلمرو فعالیت برنامه ریزان توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی به شمار آورد (محسن پور، ۱۳۸۲)، برنامه ریزی آموزشی، با برنامه ریزی برای ایجاد یک واحد تولیدی یا تاسیس کارانه صنعتی کاملاً متفاوت است. چراکه برنامه ریزی آموزشی، باید شناخت دقیقی در چارچوب نظام کلان (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) که نظام آموزشی در آن به عنوان یک زیر نظام عمل می کند، انجام پذیرد. برنامه ریزی آموزشی واقع بینانه و مشارکتی الزم است پیش بایسته هایی در نظر گرفته شود و سیاست گذاران و دست اندکاران امور عمران و آموزشی کشور باید بر آنها واقف بوده و اتفاق نظر داشته باشند. نظام آموزشی یک مجموعه پیچیده است که در آن اجزا متشکله و زیر نظام ها به گونه ای سازمان یافته است تا در اثر تعامل مداوم، هدف های از پیش تعیین شده را تحقق بخشد. برنامه ریزی آموزشی پیوسته باید به این اصل توجه داشته باشد که بر هر سی هر یک از مسایل مبتلا به نظام آموزشی مانند معلم، افت تحصیلی در دوره ابتدایی و متوسطه، ساختمان های مدارس، بودجه و غیره است (محمودی و ماجد، ۱۳۹۱).

برنامه های توسعه ملی ارتباط بسیار نزدیکی با برنامه ریزی آموزشی دارند به طوری که می توان گفت این دو مقوله الزم و ملزوم یکدیگرند یا به نوعی تکمیل کننده همدیگر. در این مقاله سعی کرده ایم تا ضمن بررسی مفهوم توسعه و ابعاد آن، به نقش نظام برنامه ریزی آموزشی و برنامه های توسعه بپردازیم، نظام آموزشی پیشرفته به عنوان نهاد فرهنگی - اجتماعی، نقش اساسی و سرنوشت ساز در تربیت نیروی انسانی و تولید سرمایه اجتماعی و فرهنگی در فرایند توسعه کشور ایفاء می کند به گونه ای که آینده کشور را می توان در سیمای نظام آموزشی مشاهده کرد. نظام آموزشی هم از طریق کارکرد فرهنگ پذیری و جامعه پذیری و هم از طریق ارتقاء و پرورش قلب توسعه ملی است. و می توان به واقع بیان داشت که توسعه ملی با توسعه نظام آموزشی ارتباط همه جانبه دارد. برای ایجاد انسجام سیستم نظام آموزشی و برنامه های توسعه ملی باید مؤلفه های توسعه را با برنامه های نظام آموزشی تلفیق کرد تا توازن و هماهنگی ایجاد می شود. (چرابین و دیهیم، ۱۳۹۵)

براساس پژوهش (کاظمی، ۱۳۹۰) برنامه درسی مجموعه فرصت هایی برای یادگیری است، یکی از زمینه هایی که در مفهوم یادگیری تأثیر می گذارد، پژوهش های مبتنی بر هویت فرهنگی می باشد چرا که یکی از ابعاد مهم تعلیم و تربیت در هر جامعه ای تحقق اهداف فرهنگی آن است، تربیت شهروندی که بتواند ضمن آگاهی از ارزش ها و میراث فرهنگی ملت خود، توانمندی لازم برای حفظ عوامل و عناصر و فرهنگ ملی را به دست آورده و همچنین بتواند به توسعه و گسترش آن نیز کمک کند و گرنه حفظ فرهنگ ملی بدون تلاش برای افزودن بر آن به تنهایی نمی تواند موجبات رشد و پیشرفت جامعه را فراهم نماید. براساس پژوهش ملکی (۱۳۸۸) معمولاً برنامه ها را بر اساس ملاک های مختلفی مانند دیدگاه اقتصادی آزاد، مختلط، سوسیالیستی، (جامعیت) جامع و محدود (سطح برنامه) تقسیم بندی می کنند.

براساس پژوهش کورت (۲۰۰۲) برنامه های توسعه، به دنبال ایجاد تغییر در ساختارها و نهاد های یک جامعه برای رسیدن به اهداف عالی و چندگانه در حوزه های اقتصادی- اجتماعی و علمی و فرهنگی است. برنامه ریزی آموزشی و توسعه فرایند پیچیده ای است که متضمن انتخاب اهداف اجتماعی، تعیین هدف های کمی، اشاعه و انتشار مطالعات و همچنین سازماندهی چارچوبی برای اجرا، هماهنگی و نظارت بر فرایند برنامه ریزی در کل نظام آموزشی است. در این فرایند، سازمانها و کارگزاران متعددی در زمینه تهیه و تدوین و اجرای سیاستها و خط مشی های اقتصادی، اجتماعی و به صورت عام توسعه ای در تعامل و کنش متقابل هستند.

براساس پژوهش کاظمی (۱۳۹۰) با ورود به هزاره سوم، نظام های آموزشی نقش بسیار مهمی را در تربیت و پرورش نیروی انسانی و رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورها ایفا می کنند. بر این اساس یکی از راههایی که می توان به وسیله آن به تحقق توسعه امیدوار بود، برنامه ریزی های آموزشی صحیح و اصولی منابع و به ویژه منابع انسانی هر کشور و استفاده بهینه از آنهاست. با عنایت به این حقیقت که اصلی ترین محور توسعه، انسان و اولین گام در امر توسعه تشکیل سرمایه انسانی است. از این رو سرمایه گذاری در نظام آموزشی به مثابه یک راهبرد تعیین کننده نقش قابل توجهی در فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع ایفا می کند. از این رو امروزه با پیوند ناگسستنی برنامه ریزی آموزشی و برنامه های توسعه مواجه هستیم.

روش پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین نقش برنامه ریزی درسی در توسعه ملی است که به شیوه توصیفی-همبستگی در آذر ۱۴۰۰ اجرا گشت.

یافته ها:

بین برنامه ریزی آموزشی و توسعه ملی رابطه ی مستقیمی وجود دارد بنابراین هر چه برنامه ریزی های آموزشی اصولی و دقیق تر باشد زمینه ی توسعه بیشتر فراهم است، یک مدرسه زمانی می تواند اهداف آموزشی خویش را راحتتر محقق کند که توجه ویژه به برنامه ها و چشم اندازها داشته باشد، برنامه های آموزشی و توسعه ملی با همدیگر همراستا هستند و مکمل هم می باشند

آموزش و پرورش به دنبال توسعه در همه ی ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است و این مهم از طریق اهداف آموزشی محقق می شود.

نتیجه گیری

براساس یافته ها و استنباطهای انجام شده می توان رابطه ی بین برنامه ریزی آموزشی و درسی مکمل و موید یگدیگرند در نتیجه می توان اساس توسعه ملی را در همه ی ابعاد در تعلیم و تربیت دانست و اگر اهداف و برنامه ریزی هایی که در تعلیم و تربیت پی ریزی می شود درست باشد نتیجه ی آن توسعه ملی در همه ی ابعاد است که این توسعه ی همه جانبه لازمه ی آن توازن و هماهنگی است. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی پیرامون سند توسعه ملی و جایگاه آموزش و پرورش در آن مقاله ای نوشته شود.

منابع و مراجع

۱. محمودی، وحید و ماجد، وحید، (۱۳۹۱) برنامه ریزی توسعه پایدار شهری با رویکرد برنامه ریزی هسته ای پیشنهادی برای برنامه ریزی توسعه پایدار شهری تهران، فصلنامه راهبرد، سال ۲۱، شماره ۴۶، صص ۴۶-۷۱

۲. چرابین، م.، و دیهیم، ج. (۱۳۹۵). نقش برنامه ریزی آموزشی در تحقق برنامه های توسعه ملی با تاکید بر نظام آموزشی. ایده های نو در علوم و فناوری. ۱(۲). ۰-۰.
۳. ملکی، بهنام. توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۸.
۴. محسن پور، بهرام، (۱۳۸۲)، مبانی برنامه ریزی آموزشی، انتشارات دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی سمت، تهران.

1. Agabii, Chiyere O and Ogah, Joseph I(2010) Education and Human Resource Planning In Nigeria: The Case of
2. National Manpower Board (NMB) International Journal of Scientific Research in Education, DECEMBER 2010, Vol. 3(3), pp 152-16
3. Hussey, T., & Smith, P. (2008). Learning outcomes: A conceptual analysis. Teaching in Higher Education, 13(1), 107 -115
4. Kayode, Asaju & John Ka angσ, Thomas & Felix Anyio, Sila.(2013) Hu. an Resource Development and Educational Standard in Nigeria, Global Journals Inc. (USA) , Volume 13 Issue 7 Version 1.0, pp1-
5. Khalkhali, A., & Taghizadeh, F. (2011). Modeling of quality indicators for a teacher training system. Proceedings of ICERI2011 Conference (pp. 5671 -5681). 14th -16th November, Madrid, Spain
6. Gosling, D. (2009). Learning outcomes debate. Accessed 12th Sept, 2009 [http://www.davidgosling.net/userfiles/Learning%20Outcomes%20Debate\(1\).pdf](http://www.davidgosling.net/userfiles/Learning%20Outcomes%20Debate(1).pdf)
7. Court, . (2002) "Opportunities and Challenges in Assessing Governance and Human Rights: Findings from a Survey of 16 Developing and Transition Countries", paper prepared for the Seminar on Human Rights and Statistics, Brussels 27-29 November 2002.